

معرفی شیوهی افتراق معنایی و کاربرد آن در ارزیابی بازنمایی معنایی بیماران افسرده

دکتر قاسم نظیری*، دکتر حبیب ا... قاسم زاده**،
دکتر محمد کاظم عاطف وحید***، دکتر سید اکبر بیان زاده****

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف ارزیابی بازنمایی‌های معنایی بیماران افسرده و بررسی کارایی شیوهی افتراق معنایی در این نوع ارزیابی انجام گرفت.

مواد و روش کار: آزمودنی‌های پژوهش را ۶۰ نفر (۳۰ بیمار افسرده و ۳۰ نفر غیر افسرده) تشکیل دادند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش، گونه‌ی تغییر یافته‌ای از آزمون افتراق معنایی با چهار مفهوم محرک (من، گذشته، زندگی و آینده) و پرسش‌نامه‌ی افسردگی بک بودند. داده‌های پژوهش به کمک روش‌های آمار توصیفی، آزمون آماری t، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون ارزیابی شدند.

یافته‌ها: بین میانگین نمره‌های کل آزمودنی‌های افسرده و بهنجار در آزمون افتراق معنایی تفاوت معنی‌داری دیده شد. بین شدت افسردگی و بازنمایی منفی بیماران افسرده همبستگی مثبت وجود داشت. بازنمایی منفی از مفهوم "من" قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان افسردگی بود.

نتیجه‌گیری: بیماران افسرده بازنمایی معنایی منفی از زندگی، گذشته، آینده و به‌ویژه خود دارند که نیازمند توجه درمانگران است. شیوهی افتراق معنایی در ارزیابی‌های بالینی کارایی دارد.

:

* دکترای روانشناسی بالینی، استادیار دانشگاه شیراز. شیراز، کوی ارم، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، بخش روانشناسی بالینی (نویسنده مسئول).

E-mail: naziryy@yahoo.com

** دکترای تخصصی روانشناسی بالینی، استاد دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی تهران. تهران، خیابان کارگر جنوبی، چهارراه لشکر، بیمارستان روزبه.

*** دکترای تخصصی روانشناسی بالینی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران. تهران، خیابان ستارخان، خیابان نیایش، انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان.

**** دکترای توانبخشی روانی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران. تهران، خیابان ستارخان، خیابان نیایش، انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان.

تکنیک افتراق معنایی^۱ را روش یا راهبرد و به یک اعتبار رویکردی تعمیم‌پذیر برای اندازه‌گیری دانسته‌اند که کاربرد آن می‌تواند بسته به موضوع و هدف اندازه‌گیری تغییر کند.

این روش را آزگود^۲، سوکی^۳ و تاننباوم^۴ (۱۹۵۷) از یک سو و هوفاشتر^۵ از سوی دیگر، به ظاهر بدون رابطه با هم ارایه نموده‌اند (رفیع پور، ۱۳۶۷).

این روش برپایه‌ی تداعی معانی ساخته شده و طی آن محرکی (برای نمونه واژه‌ی "مادر") به آزمودنی ارایه می‌شود (شکل ۱). آزمودنی باید این محرک را برپایه‌ی ویژگی‌های دوقطبی (هم‌چون سفید/سیاه، بلند/کوتاه، گرم/سرد و...) بررسی کند و مشخص نماید بین محرک و ویژگی‌های متضاد چه رابطه‌ای می‌تواند برقرار نماید (رفیع پور، ۱۳۶۷). اگر چه این روش توسط آزگود به‌عنوان وسیله‌ای برای پژوهش در جنبه‌های روان‌شناختی معانی به‌کار رفت، ولی به‌زودی امکانات آن از نظر ارزیابی شخصیت مورد توجه قرار گرفت (آناستازی، ۱۳۶۱). بعدها آزگود (به نقل از پی‌ویو^۶ و والش^۷، ۱۹۹۳) نشان داد که الگوی افتراق معنایی را می‌توان مستقیماً در تحلیل ادراک استعاره^۸ به‌کار برد.

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خوب	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کند	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تیز	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مشکل	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
آسان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ضعیف	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
قوی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

به باور آزگود هر گاه محرک‌هایی هم‌جوار با نشانه‌ها باشند نقش تداعی‌کننده‌های اضافی را برای بخشی از رفتاری که با نشانه‌ی اولیه برانگیخته می‌شوند، به‌دست می‌آورند. این محرک‌ها را می‌توان "فرآیندهای واسطه‌ای بازنمایی"^۹ به‌شمار آورد. در نظام پردازشی، "واژه" از جمله مهم‌ترین فرآیندهای واسطه‌ای شمرده می‌شود، زیرا هر واژه در ارگانیزم انسانی نسخه‌های همانندی از رفتار را که در برابر امور برانگیخته می‌شوند بازنمایی می‌کند (آزگود و همکاران، ۱۹۵۷). به تعبیر لوریا^{۱۰} (۱۳۷۶) معنا نظام پایداری از تعمیم‌هاست که در واژه نشان داده می‌شود و به تعبیر ویگوتسکی^{۱۱} (۱۳۸۰) هر واژه، جهان کوچک‌تر شعور انسانی است.

به‌طور کلی هر واژه دارای دو ویژگی مهم است:
 ۱- نشانه و دربرگیرنده‌ی اطلاعات است و ۲- برای نام‌بردن چیزی به‌کار می‌رود و یا امری را می‌سنجد. این دو ویژگی جدا از هم شیوه‌ای مؤثر از بازنمایی را ارائه می‌دهند (قاسم زاده، ۱۹۹۹).

آزگود هر واژه را دارای دو سطح معنایی می‌داند: معنای صریح^{۱۲} که همان معنای عینی و ارجاعی آن است و معنای ضمنی^{۱۳} که متأثر از بازخوردها، نگرش‌ها و ارزیابی‌هاست. وی دریافت که ارزیابی افراد برپایه‌ی واکنش عاطفی مشترکی انجام می‌شود که خود دارای جنبه‌هایی است. آزگود این جنبه‌ها را به سه دسته‌ی ارزشی، نیرومندی^{۱۵} و فعالیت تقسیم کرد. بدین ترتیب، ساختار ضمنی واژه از نظر آزگود، خود را به شکل یک مکعب، که ابعاد آن را همان سه جنبه پدید می‌آورند، نشان می‌دهد. از این رو واژه‌ها، معنایی چندگانه و چند حسی می‌یابند. برای نمونه "پاکی"

- 1- semantic differential technique
- 2- Osgood
- 3- Suci
- 4- Tannenbaum
- 5- Hofstatter
- 6- Paivio
- 7- Walsh
- 8- metaphor
- 9- representational mediation processes
- 10- Luria
- 11- Vigotsky
- 12- denotative
- 13- connotative
- 15- potency

شکل ۱- نمونه‌ای از آزمون افتراق معنایی برای سنجش مفهوم "مادر" بر روی چهار مقیاس (آزگود و همکاران،

از این آزمون بهره گرفت و دریافت نمره‌ی دانش‌آموزانی که برپایه‌ی آزمون آژگود نگرش منفی نسبت به زندگی داشتند، در مقیاس افسردگی بیشتر از آنها‌ی بود که نگرش مثبت داشتند.

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	
بلند			↘					کوتاه
سرد			↘					گرم
ضعیف			↘					قوی
مطبوع			↘			↗		نامطبوع
سنگدل			↘			↗		مهربان

شکل ۲- نیم‌رخ به‌دست‌آمده در آزمون افتراق معنایی برپایه‌ی درجه‌بندی آزمودنی‌ها از کلمه‌ی "باد" در قطعه‌ی "تا شکوفه‌ی سپید سیب، تازیانیه‌ی به دست باد دید، ریخت، نازنین چه زود رنجه می‌شود" (قاسم زاده، ۱۳۷۹)

هدف بررسی حاضر آن بود که کاربرد شیوه‌ی مبتنی بر روش افتراق معنایی در بازنمایی‌های معنایی بیماران افسرده را در مقایسه با افراد غیرافسرده ارزیابی نماید. به این منظور مفاهیم "زندگی"، "من"، "آینده" و "گذشته" به عنوان واژه‌های محرک آزمون برگزیده شدند، زیرا بخشی از طرحواره‌های بنیادی که هر فرد دارد مربوط به دیدگاه او در مورد خود، جهان و دیگران است که از رویدادهای دوره‌ی کودکی او شکل گرفته‌اند (به نقل از حمیدپور، ۱۳۸۱).

افسردگی در الگوی بک (کلارک^۱، بک و آلفورد^۱، ۱۹۹۹) پیامد سطوح سه‌گانه‌ی شناختی است: پردازش نادرست اطلاعات، طرحواره‌های افسردگی‌زا و مثلث شناختی یعنی نگرش منفی به خود، جهان و آینده.

- | | |
|------------------|-------------------|
| 1- idiosyncratic | 2- Epstein |
| 3- logical | 4- intuitive |
| 5- Teasdale | 6- Barnard |
| 7- generic | 8- semantic space |
| 9- Clark | 10- Alford |

سفید رمزگردانی می‌شود و "آزادی" مزه‌ی شیرینی دارد و "سارت" تلخ است (قاسم زاده، ۱۳۷۹ الف). به بیان دیگر بسیاری از واژه‌ها، گذشته از معنای صریح خود که برخاسته از تجربه‌ها و تداعی‌های مشترک فرهنگی‌اند، دارای معنای ضمنی و فرد ویژه^۱ هستند (آژگود و همکاران، ۱۹۵۷).

اپشتاین^۲ (۱۹۹۴) ضمن بازبینی سابقه‌ی طولانی این تمایزگذاری بین دو سطح پردازش اطلاعات در رویکردهای گوناگون روانشناسی، تأثیرگذاری هیجان بر تفکر و وجود دو شیوه‌ی تفکر (منطقی^۳ و شهودی^۴) را از جمله شواهدی می‌داند که وجود این دو سطح را تأیید می‌کنند. معنای ضمنی، بازتاب سطح مضمونی پردازش است، سطحی که تیزدیل^۵ و بارنارد^۶ (۱۹۹۳) آن را سطح عام^۷ پردازش دانسته‌اند و در این سطح است که معنا با هیجان ارتباط می‌یابد. روش افتراق معنایی با فرض یک فضای معنایی^۸ چند بعدی برای واژه‌ها، امکان سنجش معنای ضمنی را که متأثر از بازخوردها، نگرش‌ها و ارزیابی‌هاست فراهم می‌کند. آژگود و همکاران (۱۹۵۷) همسانی پاسخ بیشتر آزمودنی‌های خود را به محرک‌های ارزیابی شده نشان‌دهنده‌ی روایی محتوایی و صوری این آزمون دانسته‌اند. هم‌چنین آنها در یکی از بررسی‌های خود ضریب پایایی ۰/۸۵ را برای آن گزارش نمودند.

قاسم‌زاده (۱۳۷۹ الف) برداشت تصویری دانشجویان را از واژه‌هایی مانند "باد" و "فریاد" در چند قطعه شعر با بهره‌گیری از این روش ارزیابی کردند. نیم‌رخ‌های به دست آمده از درجه‌بندی آزمودنی‌ها برای این واژه‌ها نشان داد که در بافت ویژه‌ای، واژه‌ی "باد" واژه‌ی است نسبتاً بلند، سرد، قوی، نامطبوع و تا حدی سنگدل و "فریاد" واژه‌ی بلند، گرم، قوی، نسبتاً مطبوع و تا حدی مهربان (شکل ۲). از این رو روش افتراق معنایی می‌تواند در مقایسه‌هایی از این دست در پژوهش‌های گوناگون بهره گرفت.

واموسی (۱۳۸۳) برای بررسی و مقایسه‌ی نگرش استعاره‌ای دانش‌آموزان افسرده و غیرافسرده به زندگی،

از سوی دیگر پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد افسرده، در مقایسه با گروه‌های کنترل غیرافسرده، سوگیری هم‌خوان با خلق^۱ در یادآوری خاطرات شخصی منفی و نامطبوع دارند. این یافته‌ها از وجود محتوای پایا و منفی طرحواره‌های خود^۲ در افسردگی حمایت می‌کند (کلارک و همکاران، ۱۹۹۹).

در بیشتر پژوهش‌ها سطح‌های اول و دوم با کمک ابزارهایی که چارچوب گزاره‌ای دارند (مانند پرسشنامه‌ی افسردگی بک^۳ (BDI)، مقیاس نگرش‌های ناکارآمد^۴ (DAS) و پرسشنامه‌ی افکار خودآیند^۵ (ATQ)) ارزیابی می‌شوند، اما به سطح سوم (مثلث شناختی) کمتر پرداخته شده است. هم‌چنین برای بررسی سوگیری منفی نسبت به گذشته از آزمون‌های یادآوری خاطرات شخصی بهره گرفته شده است که از نظر روش‌شناسی تردیدهایی در زمینه‌ی کاربرد آنها وجود دارد (کلارک و همکاران، ۱۹۹۹). هدف این مقاله معرفی این روش و شکل تغییر یافته‌ای از آن است که به منظور ارزیابی نظام بازنمایی معنایی بیماران افسرده به کار برده می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر بوده است.

۱- بین سامانه‌ی بازنمایی معنایی افراد افسرده و آزمودنی‌های بهنجار در سطح سوم شناختی (مفاهیم زندگی، من و آینده) و نیز در مورد مفهوم "گذشته" تفاوت معنی‌دار وجود دارد و شیوه‌ی افتراق معنایی می‌تواند این تمایز را نشان دهد.

۲- بین شدت افسردگی بیماران افسرده و میزان منفی بودن نظام بازنمایی معنایی آنان، همبستگی مثبتی وجود دارد.

پژوهش حاضر یک بررسی توصیفی از نوع پیمایشی و همبستگی است. آزمودنی‌های پژوهش را ۳۰ مراجع افسرده و ۳۰ فرد بهنجار تشکیل دادند. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد.

بیماران افسرده از میان مراجعان به یک مطب روانپزشکی برپایه‌ی تشخیص روانپزشک ارجاع‌دهنده و انجام مصاحبه‌ی بالینی نیمه‌ساختاریافته توسط پژوهشگر برپایه‌ی ملاک‌های DSM-IV انتخاب شدند. آزمودنی‌های بهنجار دانشجویان گروه‌های مختلف تحصیلی (فنی، علوم انسانی و پزشکی) بودند. برای گردآوری داده‌ها ابزارهای زیر به کار رفته است:

الف) پرسش‌نامه‌ی بازبینی شده‌ی افسردگی بک (BDI-II). این پرسش‌نامه به‌عنوان یک ابزار خودگزارش‌دهی برای سنجش شناخت‌های وابسته به افسردگی به کار گرفته شده است. ۲۱ عبارت این پرسش‌نامه از بررسی نگرش‌ها و نشانه‌های نوعی بیماران افسرده به دست آمده است (گراث-مارنات^۶، ۱۳۷۳). این عبارت‌ها بر حسب شدت وضعیت گزارش شده توسط بیمار از صفر تا سه نمره‌گذاری می‌شوند. نمره‌های صفر تا نه نشان‌دهنده‌ی کمترین میزان افسردگی و یا عادی بودن می‌باشند. نمرات ۱۰ تا ۱۶ افسردگی خفیف، ۱۷ تا ۲۹ افسردگی متوسط و ۳۰ تا ۶۳ افسردگی شدید را نشان می‌دهند (به نقل از غرابی، ۱۳۸۲). در پژوهش حاضر نسخه‌ی بازنگری شده‌ی این ابزار یعنی BDI-II به کار برده شد. بررسی بک، استیس^۷ و گاربین^۸ (به نقل از همان‌جا) نشان داد که این نسخه همانند نسخه پیشین وجود و شدت علائم افسردگی را در بیماران و جمعیت بهنجار نشان می‌دهد.

مجتبایی و قاسم‌زاده (منتشر نشده) با اجرای BDI-II بر روی ۱۲۵ دانشجوی ایرانی، ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ و ضریب بازآزمایی را با فاصله‌ی دو هفته، ۰/۷۳ گزارش کرده‌اند.

ب) آزمون افتراق معنایی. همان‌گونه که گفته شد در نسخه‌ای از این آزمون که برای پژوهش حاضر تدوین

1- mood congruent 2- self – schema
3- Beck Depression Inventory
4- Dysfunctional Attitude Scale
5- Automatic Thought Questionnaire
6- Grathmarnat 7- Stees
8- Garbin

گردید، واژه‌های “زندگی”، “گذشته”، “آینده” و “من” به‌عنوان مفاهیم (کلمات محرک) برگزیده شدند.

هشت زوج ویژگی‌های دوقطبی که مقیاس‌های نسخه‌ی حاضر را تشکیل دادند از مجموعه‌ی ویژگی‌های آزمون اصلی آزگود و همکاران (۱۹۵۷) برگرفته شدند. برای همه‌ی واژه‌های محرک، این ویژگی‌ها بر روی مقیاس‌هایی که دامنه‌های آنها در دو جهت قطب‌های منفی و مثبت از “خیلی” تا “هیچ” درجه‌بندی شده بودند، تکرار شدند. به این ترتیب، با چهار مفهوم محرک و هشت زوج ویژگی‌های دوقطبی، هر آزمودنی پاسخ خود را بر روی مجموعاً ۳۲ مقیاس مشخص می‌نمود. یکی از مفاهیم (آینده) و مقیاس‌های آن برای نمونه در شکل ۳ ارائه شده است.

در آزمون افتراق معنایی پاسخ‌های آزمودنی را می‌توان به شیوه‌های گوناگونی تحلیل کرد. برای تحلیل کمی، به درجه‌بندی‌های هر مقیاس معمولاً نمره‌هایی از ۱ تا ۷ یا ۳- تا ۳+ داده می‌شود و سپس محاسبه‌ی جمع نمره‌های هر مفهوم در هر یک از مقیاس‌ها

مشخص می‌سازد که آن مفهوم از نظر یک فرد یا یک گروه با فرد یا گروه دیگر تا چه اندازه شباهت و تفاوت دارد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۸). در این پژوهش به مقیاس‌ها نمرات ۱ تا ۷ داده شد.

نمره‌گذاری به‌شکلی انجام شد که داشتن نمره‌های بیشتر در هر مقیاس و کل پرسش‌نامه بیانگر نگرش معنایی منفی‌تر باشد. این شکل از آزمون بر روی ۳۰ نفر دانشجو به‌فاصله‌ی دو هفته اجرا گردید و ضریب همبستگی به‌دست آمده از این بازآزمایی ($r=0/76$ ، $p<0/01$) نشان‌دهنده‌ی پایایی آن بود. یافته‌های پژوهش حاضر نیز می‌تواند دلیلی بر روایی این گونه‌ی تغییر یافته از تکنیک افتراق معنایی و توان آن در سنجش سازه‌ی مورد نظر پژوهش به‌شمار آید. داده‌های گردآوری شده به کمک روش‌های آماری توصیفی، آزمون آماری t ، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون بررسی شدند.

آینده

	خیلی	تا حدی	کم	هیچ	کم	تا حدی	خیلی	
کوتاه	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بلند
خوب	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بد
ضعیف	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	قوی
راست	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دروغ
زیبا	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	زشت
نامطبوع	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	مطبوع
سنگدل	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	مهربان
گرم	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سرد

شکل ۳- نمونه‌ای از زیرمقیاس‌های آزمون افتراق معنایی در پژوهش حاضر

”من“ قوی ترین پیش‌بینی کننده برای پرسش‌های BDI بوده (بتا=۰/۱۲۹، $p < ۰/۰۵$)، مفهوم ”گذشته“ در این مدل پیش‌بینی کننده‌ی معنی داری نبود. یافته‌های مربوطه در مورد متغیر آینده، بتا=۰/۱۰۴، $p < ۰/۰۵$ و در مورد متغیر زندگی، بتا=۰/۶، $p < ۰/۰۵$ بود.

آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) نیز نشان داد که بین میانگین نمره‌های آزمودنی‌های افسرده در چهار مفهوم ارایه شده تفاوت معنی داری وجود داشته است ($F=۴/۸۸$ ، $p < ۰/۰۱$). نتیجه‌ی آزمون‌های پیگیری بیانگر آن بود که تفاوت دیده شده، بیشتر مربوط به میانگین نمره‌های آزمودنی‌ها در مفهوم ”من“ (در جهت منفی) می‌باشد.

بین میانگین نمره‌های آزمودنی‌های زن و مرد افسرده و بهنجار در آزمون افتراق معنایی تفاوت معنی داری دیده نشد.

شکل تغییر یافته‌ی آزمون افتراق معنایی که در این پژوهش به کار رفت به خوبی توانست برداشت‌های معنایی آزمودنی‌های افسرده و بهنجار را متمایز سازد. این یافته هم‌خوان با گزارش‌هایی است که ازگود و همکاران (۱۹۵۷) از کاربردهای متنوع این آزمون ارایه کرده‌اند: برای نمونه باپ^۲ (به نقل از ازگود و همکاران، ۱۹۵۷) تفاوت‌های معنی داری را میان برداشت‌های معنایی بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا و افراد بهنجار گزارش نمود.

کریک^۳ (به نقل از ازگود و همکاران، ۱۹۵۷) رابطه‌ی میان هوش‌بهر و عملکرد آزمودنی‌ها را در آزمون افتراق معنایی نشان داد. لیونز^۴ و سالومون^۵ (همان‌جا) برداشت معنایی افراد را نسبت به مفاهیم مرتبط با اضطراب بین آزمودنی‌های مضطرب و بهنجار مقایسه و تفاوت آنها را معنی دار گزارش کردند.

مقایسه‌ی میانگین نمرات کل و میانگین نمرات در هر کدام از مفاهیم ارایه شده در آزمون افتراق معنایی مربوط به آزمودنی‌های افسرده و بهنجار در جدول ۱ ارایه شده است. داده‌های این جدول نشان می‌دهند هم بین میانگین نمره‌های کلی و هم بین مفاهیم به جز مفهوم ”گذشته“ تفاوت معنی داری وجود داشته است. برپایه‌ی فرضیه‌های پژوهش، میزان همبستگی میان نمره‌های پرسش‌نامه‌ی افسردگی یک و نمره‌های آزمون افتراق معنایی بیماران افسرده محاسبه شد. ضریب همبستگی به دست آمده گویای ارتباط مثبت میان شدت افسردگی و نظام منفی بازنمایی معنایی آنان بود ($r=۰/۸۱$ ، $p < ۰/۰۱$).

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار گروه‌ها و نتایج آزمون t در آزمون افتراق معنایی

متغیر	افسرده (n=۳۰)		بهنجار (n=۳۰)	
	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)
نمره‌ی کل در آزمون افتراق معنایی	۱۳۵/۱۷ (۴۲/۶۳)	۱۰۵/۳۰ (۲۸/۶)	۳/۱۸*	
زندگی	۳۵/۳۳ (۱۵/۸۰)	۲۷/۰۰ (۸/۸۶)	۳/۲۲*	
گذشته	۳۳/۶۶ (۱۱/۵۶)	۳۱/۰۰ (۹/۰۰)	۰/۶۵	
آینده	۳۳/۰۰ (۱۹/۷۷)	۲۳/۱۶ (۱۰/۷)	۲/۴۴*	
من	۳۸/۰۰ (۱۴/۰۲)	۲۲/۱۷ (۱۱/۲۵)	۴/۷۷*	

* $p < ۰/۰۱$

یک یافته‌ی جانبی آن بود که بر پایه‌ی تحلیل رگرسیون انجام شده میان متغیرها با بهره‌گیری از روش هم‌زمان، بین مفاهیم چهارگانه‌ی ”زندگی“، ”گذشته“، ”آینده“ و ”من“ به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و نمره‌های پرسش‌نامه‌ی افسردگی یک مربوط به آزمودنی‌های افسرده به‌عنوان متغیر ملاک، الگوی معنی داری به دست آمد ($F=۴/۸۸$ ، $p < ۰/۰۵$ ، $Adj.R=۰/۳۵۷$). متغیرهای معنی دار در این الگو در جدول ۲ ارایه شده‌اند. مفهوم

1- Adjusted R.
3- Kerrick
5- Solomon

2- Bopp
4- Lyons

یکی از گزارش‌های جالب توجه آژگود و همکاران (۱۹۵۷) در مورد کاربرد این تکنیک مربوط به تحلیل مورد مشهور اختلال چندگانگی شخصیت (ایو^۱) می‌باشد. آنها بدون آشنایی با شخصیت‌های سه‌گانه‌ی این بیمار، تنها برپایه‌ی نیم‌رخ‌های معنایی به‌دست آمده توانستند تحلیلی را منطبق با ویژگی‌های هر کدام از شخصیت‌ها به درمانگر وی ارائه دهند.

پژوهش‌های اخیر در علوم شناختی نشان داده‌اند که سامانه‌ی دانش یا آگاهی به شکل سلسله‌مراتبی و چند بعدی بازنمایی شده است و سطح ضمنی و ناهوشیار تنظیم‌کننده‌ی اصلی این سامانه است. این سطح، ساختاری استعاره‌ای دارد. کاربرد این یافته‌ها در کار بالینی آن است که ارزیابی شناختی باید فراسوی گزارش‌های کلامی و هوشیار مراجعان از فرآیندهای شناختی خود حرکت کند و شیوه‌های تازه‌ای به‌کار گرفته شوند که به درمانگران اجازه دهند به سطوح ضمنی و تمثیلی تجارب مراجعان نزدیک شوند (گونکالوس^۲ و کراین^۳، ۱۹۹۰). یافته‌های پژوهش حاضر هم‌سو با این کاربرد بالینی است و نشان می‌دهد که آزمون افتراق معنایی، ابزار مناسبی برای ارزیابی سطوح معنایی مضمونی و استعاره‌ی مراجعان است.

این گزارش‌ها و نیز نتایج پژوهش حاضر گویای اعتبار این شیوه به‌عنوان یک ابزار کارآمد بالینی است. آژگود و همکاران (۱۹۵۷) بر کاربرد آن برای ارزیابی یافته‌های روان‌درمانی تأکید دارند. آنها براین باورند که بیماری روانی و اختلال شخصیت نوعی اختلال در معانی یا طرق درک اشخاص و موقعیت‌هاست و روان‌درمانی نظم‌بخشی دوباره در نظام معنایی است. بنابراین انتظار می‌رود که نیم‌رخ‌های معنایی پس از روان‌درمانی تغییر کنند.

در این پژوهش مفاهیم مرتبط با یکی از سطح‌های سه‌گانه‌ی شناختی بیماران افسرده یعنی مثلث‌شناختی بک به‌عنوان واژه‌های محرک انتخاب شدند.

وجود رابطه‌ی معنی‌دار میان شدت افسردگی و معنای ضمنی منفی که بیماران از مفاهیم "من"، "گذشته"، "آینده" و "زندگی" داشتند، هم‌خوان با

یافته‌های پژوهش‌هایی است که از وجود فرضیه‌ی مثلث‌شناختی منفی در افسردگی حمایت کرده‌اند (به نقل از کلارک و همکاران، ۱۹۹۹). به باور بک، خلق غمگین و نارسایی‌های انگیزشی در افراد افسرده بر اثر شناخت‌واره‌های^۴ منفی درباره‌ی خویشتن، جهان و آینده ایجاد می‌شود (قاسم زاده، ۱۳۷۹ب).

این یافته‌های پژوهش هم‌خوان با یافته‌های بررسی واموسی (۱۳۸۳) است. وی نیز همبستگی معکوسی را بین نگرش مثبت به زندگی در آزمون افتراق معنایی و نمره‌ی افسردگی در خرده‌مقیاس افسردگی هریس لینگوز در گروهی از جمعیت دانش‌آموزی گزارش داد. نتایج تحلیل رگرسیون و آزمون تحلیل واریانس در بررسی حاضر گویای آن بودند که از میان مفاهیم "زندگی"، "گذشته"، "آینده" و "من"، مفهوم "من" بیشترین بار معنایی منفی را در نزد آزمودنی‌های افسرده داشته است. ارزیابی کیفی مواد پرسش‌نامه‌های تکمیل شده نشان داد که اغلب آنها خود را "ضعیف"، "سرد" و "نامطبوع" دیده‌اند. چنین یافته‌ای در صورت تکرار در پژوهش‌های آینده، می‌تواند برای درمانگران دارای اهمیت باشد زیرا اشاره به آن دارد که ایجاد تغییر در خودپنداره^۵ و عزت نفس^۶ بیماران افسرده از اولویت‌های مهم درمانی است.

از جمله‌ی محدودیت‌های این پژوهش شمار اندک آزمودنی‌ها است که اجازه نمی‌دهد این یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی روایی و پایایی این روش افتراق معنایی شمرده شوند. پژوهش‌های آینده با آزمودنی‌های بیشتر می‌توانند این نارسایی را جبران کنند.

از آزمودنی‌های پژوهش که با صرف وقت در زمینه‌ی تکمیل پرسش‌نامه‌ها همکاری کردند، قدردانی می‌شود.

دریافت مقاله: ۱۳۸۳/۱/۱۷؛ دریافت نسخه‌ی نهایی: ۱۳۸۳/۳/۵

پذیرش مقاله: ۱۳۸۳/۳/۶

1- Ave
3- Craine
5- self-concept

2- Goncalves
4- cognitions
6- self-esteem

- logist*, 499, 709-721.
- Ghassemzadeh, H. (1999). Some reflections on metaphoric processing: A move toward a meta-sign formulation. *New ideas in psychology*, 17, 41-54.
- Goncalves, O.F., & Craine, M.H. (1990). The use of metaphors in cognitive therapy. *Journal of Cognitive Psychotherapy*, 4, 135-149.
- Osgood, C.E., Suci, G.J., & Tannenbaum, P.H. (1957). *The measurement of meaning*. Urbana: University of Illinois Press.
- Paivio, A. & Walsh, M. (1993). Psychological processes in metaphor comprehension and memory. In A. Orthony (Ed.). *Metaphor and Thought* (2nd ed.). New York: Cambridge University Press.
- Teasdale, J.D., & Barnard, P.J. (1993). *Affect, cognition, and change: Re-modeling depressive thought*. U.K.: Lawrence Elbaum Associates Ltd. Publishers.
- آناسنازی، آن (۱۳۶۱). *روان آزمایی*. ترجمه‌ی محمد نقی براهنی. تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- حمیدپور، حسن (۱۳۸۱). *مقایسه کارآیی و اثربخشی "شناخت درمانی تیزدیل" با "شناخت درمانی بک" در درمان اختلال افسرده‌خویی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۶۷). *کندوکاوها و پنداشته‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۸). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- غرایبی، بنفشه (۱۳۸۲). *تعیین وضعیت‌های هویتی و ارتباط آن با سبک‌های هویتی و افسردگی در نوجوانان تهرانی*. پایان‌نامه‌ی دکترای روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.
- قاسم‌زاده، حبیب ... (۱۳۷۹ الف). *استعاره و شناخت*. تهران: انتشارات فرهنگان.
- قاسم‌زاده، حبیب ... (۱۳۷۹ ب). *شناخت و عاطفه: جنبه‌های بالینی و اجتماعی*. تهران: انتشارات فرهنگان.
- گرات مارنات، گری (۱۳۷۳). *راهنمای سنجش روانی*. ترجمه‌ی حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو. تهران: انتشارات رشد.
- لوریا، الکساندر ر. (۱۳۷۶). *زبان و شناخت*. ترجمه‌ی حبیب ... قاسم‌زاده. تهران: انتشارات فرهنگان.
- مجتبایی، رامین؛ قاسم‌زاده، حبیب ... (منتشر نشده). *هنجار یابی مقدمه‌ماتی پرسش‌نامه بازنگری شده افسردگی بک بر روی جمعیت ایرانی*.
- واموسی، علی (۱۳۸۳). *بررسی تفاوت معنایی استعاره‌های مفهوم زندگی در دو گروه دانش‌آموزان افسرده و سالم*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- ویگوتسکی، لوسمنوویچ (۱۳۸۰). *اندیشه و زبان*. ترجمه‌ی حبیب ... قاسم‌زاده. تهران: انتشارات فرهنگان.
- Clark, D., Beck, A.T., & Alford, B.A. (1999). *Scientific foundations of cognitive theory and therapy of depression*. New York: John Wiley & Sons Inc.
- Epstein, S. (1994). Integration of the cognitive and the psychodynamic unconscious. *American Psycho-*